

مدرن گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده در ایران

«تحقیقی در شهر تهران»

عالیه شکریبیگی^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۷

چکیده

خانواده به عنوان مهمترین و اساسی ترین جایگاه امن انسانی به دلیل تحولات ناشی از پیامدهای مدرنیته و نو شدن جوامع بشری دچار تغییر و تحولاتی گشته است که در این میان جامعه ایران هم خالی از این دگرگونی نیست. به واسطه این تحولات، خانواده در دوره مدرن، گونه هایی مختلف را در خود پذیرفته است و همچنین سرمایه اجتماعی این گونه های مختلف خانوادگی را متحول گردانیده است. در این مقاله، هدف اصلی شناسایی سرمایه اجتماعی خانواده ها در میدان تحقیق است. روش تحقیق پیمایشی و اسنادی است. لازم به یادآوری است که برای ساختن مقیاس ها از آرای نظری صاحب نظران رویکرد دیالکتیکی بودن پدیده های اجتماعی و همچنین آرای صاحب نظران حوزه سرمایه اجتماعی (پاتنام، کلمن، پورتنس، بوردیو، گوشال، پتری راسکائن) استفاده گردیده است. قابل ذکر است که چارچوب نظری پژوهش، رویکردی تلفیقی می باشد. فرضیات طراحی شده برای پژوهش عبارتند از: ۱- تجددگرایی سنت مآبانه با حراست از سرمایه اجتماعی خانواده قرین است. ۲- تجددگرایی مدرن و درحال گذار بزرگ ترین تأثیر را بر کاهش سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی به جای گذاشته است. ۳- تجددگرایی پسا مدرن موجب افزایش سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی می شود. بررسی نتایج به دست آمده گویای به وجود آمدن گونه های مختلف خانواده در جامعه ایران بوده است، هم چنین نتایج به دست آمده نشان داد، بین میزان تجددگرایی و سرمایه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: سنتی، مدرن، درحال گذار پسا مدرن، سرمایه اجتماعی

مقدمه

پیدایش فردگرایی توأم با تحولات تاریخی که به استقرار مدرنیته و صنعتی شدن جوامع انجامید، تأثیرات عمیقی بر رشد اندیشه اجتماعی داشت و تحولاتی را به خصوص در حوزه فرهنگی در جوامع بشری و بالاخص در خانواده ها بوجود آورد، از آن جمله، پیدایش گونه های مختلف خانواده، در اکثر نقاط دنیا بوده است، گذشته از پیدایش گونه های مختلف خانوادگی، سرمایه اجتماعی خانواده ها را هم متأثر ساخته است. به این معنا که سرمایه اجتماعی یعنی: تغییر شکل دادن حمایت های اجتماعی خانواده، تنوع در شبکه های ارتباطی، که تنوع در نوع ارتباطات با همسایه ها، تنوع در شیوه دستیابی به اطلاعات و ارتباطات آن گونه که انسان ها را فارغ از زمان و مکان به هم وصل کرده، افزایش طلاق، افزایش حضور زنان در حوزه عملی، کاهش فرزندآوری، کمرنگ ساختن باورهای مذهبی خانواده ها، تغییر در نگرش های جنسیتی، چگونگی تغییر در شیوه گذراندن اوقات فراغت خانواده ها، انباشت سرمایه اجتماعی و به تبع آن رفتارهای دیگرخواهانه و داوطلبانه شهروندی در جامعه ایران که بر اثر تاریخی پر آشوب، مجال کافی برای تمرین دموکراسی و بسط حوزه عمومی نداشته با شکل مضاعفی روبرو است. در واقع، مقاطع مختلف تاریخ ایران، فرصت هایی برای ایجاد و به فعلیت درآمدن این رفتارها بوده است که با وجود ظهور و بروز مقطعی آن ها انباشت مستمری از این سرمایه که منجر به فرآیند مؤثر و پایداری از توسعه در جامعه شود، به سختی قابل بازشناسی است.

در هر صورت باید توجه کرد که در شرایط کنونی، خانواده ایرانی، با چالش های بسیار روبرو است. این چالش ها، سطوح سرمایه اجتماعی خانواده را دستخوش تغییر کرده است. تغییراتی از قبیل: «تغییر تنش و جایگاه زنان، افزایش میزان طلاق، کاهش میزان ازدواج، کاهش فرزندآوری» تغییر نگاه به همسر، مرکزیت تصمیم گیری خانواده در جامعه، کمرنگ شدن باورهای مذهبی و کاهش اعتماد که به مجموعه ای از نقش های معارض انجامیده است، وضعیت تعارضی حوزه مطالعات خانواده در ایران را به طرح بحث فروپاشی خانواده، مضیقۀ ازدواج و طلاق کشانیده است» (آزاد ارملی، همان منبع).

به تعبیر یکی از جامعه شناسان در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچکدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در روابط جنسی - حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است. در خصوص این که ما چگونه درباره خود فکر می کنیم و چگونه با دیگران پیوند و رابطه برقرار می کنیم انقلابی در جریان است. این انقلاب است که در مناطق و فرهنگ های مختلف با سرعت های مختلف و با مقاومت های بسیار در حال پیشرفت است (کیدنز، ۱۹۹۹: ۱).

متحول شدن و تغییر در نهادهای اجتماعی، بالاخص نهاد خانواده، و پیدایش گونه های مختلف خانواده ریشه ای تاریخی دارد و درجه ای از تغییر در بستر اجتماعی جامعه متأثر شده از تجددگرایی قرار دارد و نمی توانیم همه تحول را ناشی از تجددگرایی غرب بدانیم.

در حقیقت پیامد و مسأله بودن تجددگرایی بر ساختار اجتماعی خانواده ها از آن جا ضرورت تحقیق را جان می بخشد، که به نظر می رسد، پیامد فرآیند تجددگرایی در خانواده ها، پیدایش گونه ها و فرسایش سرمایه اجتماعی خانواده می باشد، میزان افزایش استفاده از رسانه ها، تغییر در ارتباطات دختران و پسران،

به وجود آمدن شکل‌های جدیدی از خانواده‌ها، تغییر در چگونگی حیات عاطفی خانواده‌ها و... می‌باشد و در این راستا تغییر شکل یا فرسایش سرمایه اجتماعی خانواده‌ها که ناشی از تجددگرایی و نوگرایی خانواده ایرانی می‌باشد، در روندی رو به رشد سیر صعودی خود را طی می‌نماید.

طرح مسئله

در پیشینه تاریخی مدرنیته و نوسازی در ابعاد زمان و مکان، نظرات متفاوتی وجود دارد. «بسیاری از تاریخ نگاران هنگامی که از (روزگار مدرن) یاد می‌کنند فاصله میان رنسانس و انقلاب فرانسه را در نظر دارند. اما افرادی آغاز صنعتی شدن جوامع اروپایی یا پیدایش وجه تولید سرمایه داری و تعمیم تولید کالایی را آغاز گاه مدرنیته می‌دانند... نویسندگانی نیز حد نهایی مدرنیته را میانه سده بیستم و حتی «امروز» می‌شناسند.» (احمدی، ۱۳۷۷: ۸) شناخت تأثیرات مدرنیته و فرآیندهای آن بر الگوهای سکونت و فرهنگ خانه در تمام جوامع به خصوص کشورهای در حال توسعه بسیار پیچیده و دشوار شده است، زیرا در نتیجه ی تحولات مدرن و گستره ی فرآیندهای ارتباطی بین ملت ها و ادغام و اشاعه فرهنگ ها در یکدیگر، دیگر فرهنگ آن کلیت منسجم و یکپارچه ای نیست که انسان شناسان در قبایل و اقوام کوچک سنتی مشاهده و مطالعه می‌کردند. فرهنگ ها به (دیگ درهم جوش) یا موجودیت های "چهل تکه" یا "سوپرهای مارکت های" بزرگ تبدیل شده اند که از هر چیز و از هر جایی در آن ها تکه ای و نمونه ای هست. (فاضلی، ۱۳۸۷: ۳۸).

با مقدمه ی فوق ابتدا به فرآیند تاریخ مدرنیته در ایران می‌پردازیم، در این راستا باید گفت، پیشینه تفکر مدرن و یا هر مقوله و پدیده انسانی یک ملت را نمی‌توان با مرزی مشخص در بعد زمان و مکان بیان کرد چرا که «خمیر مایه تفکر یک ملت در طول سالها بلکه دهه‌ها و قرن‌ها ساخته می‌شود. و در پرتو تعلیم و تربیت، آموزش و آگاهی و مدیریت سیاسی قابل تعدیل و تغییر می‌باشد.» (سریع القلم، ۱۳۷۷: ۷۰). از سوی دیگر اگر چه زمان ها و مکان ها یک به یک در سرنوشت و چگونگی وضعیت حال تأثیر دارند، اما برخی از برهه‌های زمانی و مکانی تأثیری از خود به جای می‌گذارند که برای ملتها نوعی بیداری و آگاهی به همراه دارند. ، ضرورت مطالعه ی این مسأله اجتماعی از آن‌جا اهمیت پیدا می‌کند که بر اساس آمار و اسناد، تجددگرایی در ایران بیشترین تبعاتش را در خانواده به جا گذاشته است و در حقیقت جهانی‌شدن و مدرنیته غرب پیامدهایی را در تجددگرایی ساختار اجتماعی خانواده ایرانی به جای گذاشته است. چنان که براساس گفته صاحب‌نظران، خانواده ایرانی را دچار بحران و تحول نموده‌اند و گونه های مختلفی را بوجود آورده است. در هرحال، تحولی که انگیزه انجام این تحقیق را تقویت کرد این بود که آیا تجددگرایی در خانواده های ایرانی با حراست از سرمایه اجتماعی خانواده، همراه بوده است؟ یا بالعکس؟ گونه های مختلف خانواده دارای چه میزان از سرمایه اجتماعی هستند؟ چرا آمار طلاق بیش از هر زمان دیگری است؟ چرا جوانان به قول دکتر تنهایی جامعه‌شناس ایرانی، دچار رهاشدگی و به قول گیدنز بی‌اختیاری شده‌اند؟ چه علل و عواملی تأثیرگذار بر شدت حرکت، بازاندیشی خانواده‌های ایرانی در کردار و عمل شده‌اند؟ این بازتابندگی‌ها به قول بلومر که در "کنش پیوسته انسان ها دچار ماندگی یا تازگی می‌شود" ناشی از چه علل و عواملی می‌باشد؟ اصلاً این پروسه چالش و بازتابندگی تا به کجا راهش را طی می‌نماید و در نهایت ما باید شاهد زوال خانواده ایرانی باشیم، شاهد پیدایش گونه های مختلف خانوادگی (سنتی، مدرن، درحال

گذار و پست مدرن) باشیم، و همچنین شاهد فرسایش و تضعیف سرمایه اجتماعی خانواده‌ها باشیم یا نه؟ پیامدهای مدرنیته غرب، تجددگرایی و نوگرایی را در نگرش‌های انسان‌ها و خانواده‌ها به وجود آورده است و در حقیقت آیا خانواده ایرانی در حال گذار است؟ واقعاً کدامیک؟ آیا پیدایش گونه‌های مختلف خانواده ایرانی واقعی است که باید بپذیریم؟ به نظر می‌آید که برای پاسخ به سوالات فوق، باید به نتایج به دست آمده از میدان تحقیق توجه کنیم.

چارچوب نظری مبتنی بر یک رویکرد تلفیقی

پدیده‌های اجتماعی، پدیده‌های متصلب و خشک لامتغیری نیستند. پدیده‌های اجتماعی ترکیبی از ذهنیت و معنا و غایت هستند و هیچ‌گاه، به نهایت و اتمام نمی‌رسند. پدیده‌های ناتمامی هستند که همواره در حال تغییر و شدن اند، به‌خصوص این که پدیده‌های اجتماعی در یکدیگر تأثیر می‌گذارند و یکدیگر را مشروط و محدود می‌کنند. پس پدیده‌های اجتماعی در حال ترکیب هستند (بشیریه، ۱۳۷۳: ۴). در حقیقت پدیده‌های اجتماعی و کنش‌های انسان‌ها، همواره در شدن و تغییر و بازنگری و تلفیقی دیالکتیکی می‌باشند و تبیین کنش، مهم‌ترین مسأله در عرصه جامعه‌شناسی است و رویکرد جامعه‌شناسان در برخورد با این مسأله در قالب دو سنت نظری عین‌گرایی^۱ و ذهن‌گرایی^۲ قابل دسته‌بندی است که برآیند حاصل از رقابت این دو سنت متقابل در مفهوم دوگانه‌گرایی^۳ نهفته است. در حقیقت، حیات اجتماعی انسان‌ها در جدایی دیالکتیکی بین عینیت و ذهنیت معنا می‌یابد و در این جدال هرگونه تغییری و در هر شرایط خاص تاریخی، پیامدهایی خاص را به دنبال می‌آورد. پژوهش به دنبال فهم چگونگی وضعیت سرمایه اجتماعی خانواده تهرانی ناشی از میزان گرایش به نوگرایی و تجددگرایی است محقق معتقد است پیامدهای تجددگرایی غربی در خانواده ایرانی و تأثیرش بر سرمایه اجتماعی خانواده‌ها در حقیقت یک جدال است. ارزش نو می‌آید و ارزش کهنه را کنار می‌زند و در این میان رابطه‌ها را تغییر می‌دهد. به عبارتی سرمایه اجتماعی متزلزل می‌کند. اگر سرمایه اجتماعی را برآیند حاصل از هزاران کنش انسان‌ها در تعامل روزانه‌شان با هم بدانیم، لذا چارچوب نظری ناظر به بررسی نظریات (۱) بوردیو (۲) گیدنز (۳) مید (۴) بلومر (۵) زیمل (۶) وبر (۷) پاتنام (۸) ولکاک (۹) جیمز کلمن و (۱۰) پورترس است. در حقیقت بررسی آرای صاحب‌نظران در این پژوهش، گویای این مطلب است که رویکرد تکاملی دیالکتیکی، دغدغه ذهنی کلاسیک‌هایی مانند وبر، تونیس، دورکیم و معاصرانی هم‌چون بوردیو، گیدنز، بلومز، پاتنام، ولکاک و... بوده است. بی‌تردید، این جنبه‌ی شدن و تکامل که در پدیده‌های اجتماعی وجود دارد، در همه‌ی جوامع بشری به نوعی پیام خودش را می‌رساند و پیامش ماندنی است.

رقابت این دو سنت متقابل، زمینه را برای رویکرد سوم فراهم می‌آورد. رویکردی که ادعای فراروی از دوگانه‌گرایی را دارد. هسته این چارچوب نظری در مفهوم رابطه^۴ یا نسبت تلفیقی دیالکتیکی پدیده‌های اجتماعی نهفته است که در قالب کنش‌های سنتی و مدرن این رابطه به وقوع می‌پیوندد.

1 objectivism
2 subjectivism
3 dualism
4 relation

به عبارت دیگر، توجه یک‌جانبه به هر وجه، نوعی ساده‌انگاری است. زیرا واقعیت، ماهیت بر ساخته^۱ دارد و از دیالکتیک ذهن و عین به وجود می‌آید. موافق با این رویکرد، در نظریه بورديو، نشانی از مفاهیم متعین یا به عبارت بهتر مفاهیم مستقل وجود ندارد، بلکه مفاهیم لازم و ملزوم یکدیگر هستند و در رابطه با هم معنا پیدا می‌کنند.

بورديو با الهام از این رویکرد و با توسل به نظریه میدان در فیزیک، مبنی بر تصویر جهان به منزله جهان میدان‌ها و نیرویی مختلف که ذرات در ذیل هر میدان، بنابر ویژگی‌های خود از یک سوی و ویژگی‌های میدان از سوی دیگر رفتار می‌کنند. مفاهیم نوین منش و میدان را جعل می‌کند و به تبیین کنش در چارچوب این نظریه می‌پردازد. در این نظریه، کنش پیامد رابطه بین منش و میدان است و قابل تقلیل به هیچ یک از آن‌ها نیست (شوارتز، ۱۹۹۷: ۱۴۱). این وجوه، هستی مستقل نداشته و دو بعد از یک واقعیت واحد را تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب فهم نظریه عمل بورديو در گروه فهم مفاهیم نوین منش و میدان و رابطه دیالکتیکی آن‌ها با یکدیگر است یعنی:

$$\text{عمل} = \text{میدان} + \text{منش}$$

در جای دیگر بورديو اشاره می‌کند که در رابطه‌ی دیالکتیکی ملکه و میدان، عمل به وجود می‌آید. زیمِل، یک ماهیت تقابلی و جدی و دیالکتیکی برای پدیده‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد. او هم چنین می‌گوید: کنش دوسویه واقعیت‌بخشیدن به یک واحد، یک جامعه یا یک جامعه‌پذیری است (استونز، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

رویکرد دیالکتیکی، در حقیقت گویای این است: «دیالکتیک یعنی تمامیتی که اجزاء آن در تقابل‌های دوگانه و بیشتر نشان‌دهنده خصلت حرکت و تغییر و پویایی آن است. یعنی یک جامعه یا گروه اجتماعی - G. M. G- به همان میزان که منظم و ساختمان است، یعنی یک واقعیت تمام است که تمامیت آن نیز به اشتراک نیازها، راهها و اهداف اجزاء برمی‌گشت به همان میزان نیز حامل و جامع تفاوت‌های حساس میان اجزاء است. تفاوت‌های حساسی که اگر چه متفاوت‌اند، ولی با اشتراکات میان اجزاء متفاوت، با هر درجه‌ای از تفاوت، هماهنگ شده است و یک کل تمام را تشکیل می‌دهد. به این معنی، تمام جهان هستی و به مراتب جهان اجتماعی یا جامعه، یک دیالکتیک است (تنهایی، ۱۳۸۲: صص ۱۱۱-۱۱۲). به این نحو تمام جامعه‌شناسان نیز زمانی که حرکت، تغییر، گذار، تحول و هر گونه پویایی اجتماعی را بخواهند بفهمند یا تبیین کنند ناگزیر در شناخت این واقعیت دیالکتیکی درگیرند، چه نام این واقعیت را واقعیت دیالکتیکی بگذارند چه به یک هندسه دوتایی^۲ یا سه‌تایی باور پیدا کنند. پس همان‌گونه که در اصل تفکیک‌یافتگی مشاهده شد، تغییر، تحول و تکامل جوامع یا گذار تفکیک‌یافتگی جوامع، یعنی تغییر و تحول منظم واقعیت‌های دوگانه و بیشتر. از این منظر، نهاد خانواده به مثابه یک جهان اجتماعی و یک نماد اجتماعی خود حاوی رویکردی دیالکتیکی می‌باشد. یعنی زاده کنش و واکنش‌های افراد و آن ماحصل، یک خود و یک سرمایه اجتماعی است».

1 constructed

۲ منظور شرح جدلی زیملی است. نک. تنهایی، درآمدی بر مکاتب جامعه‌شناسی، چاپ چهارم، ۱۳۷۹

سرمایه اجتماعی، در حقیقت زاده رویکردهای تعاملی دیالکتیکی در کنش و واکنش‌های افراد در جهان هستی، جهان اجتماعی و خانواده می‌باشد و محصول آشنا بودن و آشنا شدن آدمیان با یکدیگر است و بر چشم داشت‌هایی استوار است که از آشنایی جان می‌گیرد و در اکثر مواقع با گذر زمان گسترده می‌شود. سخن فوق را به گونه‌ای دیگر در سخنان آنتونی گیدنز مشاهده می‌کنیم، یکی از ویژگی‌های متمایز تجدد عبارت است از تأثیرات متقابل فزاینده بین دو حد «حد نهایی» برون مرزی و درون مرزی یا به عبارت دیگر، بین تأثیرات جهانی، از یک سو و گرایش‌های درونی از سوی دیگر» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۵).

در حقیقت، در سخنان گیدنز دو حد نهایی برون مرزی و درون مرزی یعنی، همان «من» و «من اجتماعی» در جایگاه نظریه معرفتی مید و بلومر می‌باشد که بنابر نظریات بلومر، مید و گیدنز در «خود» پا به صحنه ظهور می‌گذارد و رفتار انسان‌ها را دچار بازتابندگی می‌کند. جدل خود که حاصل دیالکتیکی من و من اجتماعی در نظریات هربرت مید و بلومر می‌باشد و به گونه‌ای دیگر (در حد نهایی برون مرزی و درون مرزی در نظریه گیدنز باز یافت می‌شده) و به گونه‌ای دیگر هم در نظریات صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی مشاهده می‌کنیم. نگاه کنید:

«پورتس (۱۹۹۸) سرمایه اجتماعی را توانایی کنشگران، در کسب سود بدلیل خاصیت عضویت در شبکه‌های اجتماعی و سایر ساختارهای اجتماعی تعریف می‌کند. ویژگی ذاتی سرمایه اجتماعی در رابطه‌ای بودن آن و در تعامل یک ارتباط اجتماعی بین من و من اجتماعی به دست می‌آید. پورتس می‌گوید: «اگرچه سرمایه اقتصادی در حساب بانکی خود و سرمایه انسانی در دست اوست اما سرمایه اجتماعی در ساختار روابط او قرار دارد. برای کسب سرمایه اجتماعی او بایستی با دیگران در ارتباط باشد و این ارتباط با دیگران منبع واقعی سود و انتفاع است».

«پتری راسکانن» ریشه‌های سرمایه اجتماعی را در سه سطح جستجو می‌کند که هر کدام دارای مولفه‌های چندی است: در سطح فردی (شامل عقلانیت آگاه و روشنفکرانه)، در سطح اجتماع و هنجارهای بده‌بستان، شبکه‌های افقی و عمودی، در سطح جامعه (قانون، عدالت، تنظیم تضادها و ارتباطات باز و آزاد).

این منابع از طریق مکانیسم‌هایی چون اعتماد (اعتماد به دیگران و اعتماد به نهادها) و ارتباطات (جریان اطلاعات، درک اطلاعات و مهارت‌های شناختی مشترک) منجر به دو پیامد عمده می‌شود الف) منافع مصرفی (خرسندی آنی حاصل از اعتماد و ارتباطات) و منافع اصلی (تسهیل همکاری، تنظیم فعالیت‌ها، کاهش هزینه‌ها، حمایت اجتماعی). تقسیم‌بندی مشابهی نیز توسط دیوید هالپرن صورت گرفته که در آن بین سطوح خرد، میان و کلان تمایز قائل می‌شود. (ولکاک^۱، ۱۹۹۸)

نهایت و گوشال نیز سه مؤلفه، برای سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرند: ۱) مؤلفه ساختاری (الگوهای غیرشخصی پیوندهای بین افراد، بخش ساخت‌افزاری شبکه‌های اجتماعی) ۲) مؤلفه شناختی (منابعی که بازنمودها، تفاسیر و سیستم‌های مشترک معانی را فراهم می‌آورد). (در حقیقت همان جریان، I, Me در

اینجا تکرار می‌شود) ۳ مؤلفه رابطه‌ای (روابط شخصی مؤثر بر رفتار افراد که انگیزه‌های اجتماعی آن‌ها را ارضا می‌کند مثل احترام و دوستی، اعتماد و اعتبار نیز بخشی از این مؤلفه‌اند).

بررسی مباحث ذکرشده فوق درباره سرمایه اجتماعی هم به نوعی تعامل در روابط اجتماعی را نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در حقیقت برآیند کنش و واکنش‌های روزانه انسان‌ها در جامعه می‌باشد که به صورت خودهای مختلف، خود را بازنمایی می‌کند گاهی به صورت مثبت و گاه منفی، در حقیقت جریان تجددگرایی با تأثیر به کنش‌های افراد (سرمایه اجتماعی آنان را در پاره‌ای از مواد تقویت، در پاره‌ای دیگر تضعیف و یا دچار فرسایش می‌کند) که بالطبع همین امر هم در خانواده‌ها به لحاظ حساس بودن و آسیب‌پذیری بیشتر به شدت تکرار می‌شود و در پاره‌ای از موارد به دلیل نداشتن انسجام و همیاری در روابط اعضای خانواده، آنها را از درون دچار فروپاشی یا زوال و به عبارتی، دچار فرسایش و نابودی سرمایه اجتماعی می‌کند.

هم چنین پوتنام مهم‌ترین نظریه‌پرداز سرمایه اجتماعی که بیش از یک دهه نظریاتش در دانشگاه‌های آکادمی روز دنیا و در مطالعات بین رشته‌ای مورد استفاده واقع می‌شده است «سرمایه اجتماعی را به عنوان اعتماد، هنجارها و شبکه‌های پیوند، که ارتباطات را تسهیل می‌کند و هم چنین همکاری کردن را برای سود متقابل، تعریف می‌کند که نتیجه آن انواع متفاوتی از کنش‌های جمعی می‌باشد و در حقیقت به نظر پوتنام، سرمایه اجتماعی، روابط بین افراد - شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتماد اجتماعی‌ای که از این طریق حاصل می‌شود - می‌باشد.

به اعتقاد جیمز کلمن، سرمایه اجتماعی، بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منابع خود دست یابد. این بعد از ساختار اجتماعی شامل تکالیف و انتظارات مجاری اطلاع‌رسانی، هنجارها و ضمانت اجرایی است که انواع خاصی از رفتار را تشویق کرده، یا منع می‌شوند. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از عناصر متفاوت است که دارای دو ویژگی مشترک است. تمام این عناصر دارای برخی از جوانب ساختار اجتماعی بوده و برخی از کنش‌های افراد واقع در درون ساختار را تسهیل می‌نمایند. از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه اجتماعی، نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه «خانواده» عمل نماید. کلمن وجود سرمایه اجتماعی را در اعتماد، اطلاع‌رسانی و ضمانت اجرای کارآمد، روابط اقتدار و میزان تکالیف در گروه می‌داند.

به اعتقاد کلمن، سرمایه اجتماعی می‌تواند به سه شکل در خانواده حاضر شود: اول، تکالیف و انتظاراتی که بستگی به میزان قابلیت اعتماد به محیط اجتماعی دارد. دوم، ظرفیت اطلاعات برای انتقال و حرکت در ساختار اجتماعی تا بتوان پایه‌ای برای کنش فراهم نمود. سوم، وجود هنجارهایی که توأم با ضمانت اجرایی مؤثر هستند. کلمن معتقد است که سرمایه اجتماعی در یک تعامل اجتماعی (ذهنی - عینی) خلق می‌شود و از نظر کلمن سرمایه اجتماعی در نهایت برای افراد سرمایه‌انسانی را به همراه دارد (وینتر^۱، ۲۰۰۰: ۲).

با توجه به نظریات مطرح شده در زمینه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، در حقیقت سرمایه‌ی اجتماعی خود برآیند و ماحصل دویاره دیالکتیکی (ذهنیت و عینیت)، I و Me (تازگی و ماندگی)، (کنش سنتی، عقلانی) گزل‌شافت (جامعه‌سازمانی) و گمین‌شافت (اجتماع)، (جوامع سه‌تایی)، (تفکیک‌یافته و مدرن) و جوامع دوتایی (جوامع کمتر تفکیک‌یافته)، (جوامع مبتنی بر اعتماد (سنتی) و جوامع مبتنی بر مخاطره و ریسک (جوامع مدرن))، (جوامع مبتنی بر پایگاه‌های اکتسابی و جوامع مبتنی بر پایگاه‌های انتسابی)، ... همه و همه ناشی از این است که کنش انسان‌ها در بستری که تقابل بین دو انسان می‌باشد و در یک فضای ارتباطی نقش می‌بندد. بالطبع تجدیدگرایی در این بستر، کنش انسان‌ها را مدرن می‌کند. در زیر به نموداری که به نوعی اشاره به سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن دارد، اشاره می‌کند. ابعادی که در نظریات پوتنام، کلمن، فوکویاما، پاکستون و... وجود دارد و در این راستا، پاکستون (۱۹۹۹) متذکر می‌شود که می‌توان سرمایه‌ی اجتماعی را متشکل از دو بعد دانست:

پیوندهای عینی میان افراد: یعنی ساختار شبکه‌ای عینی که افراد را به یکدیگر مرتبط کند. این مؤلفه نشان می‌دهد که افراد در فضای اجتماعی به یکدیگر مربوطند. نوع ذهنی پیوند: یعنی پیوندهای میان افراد باید دارای ویژگی خاصی باشد. دوجانبه، مورد اعتماد و مستلزم احساس مثبت (همان، ۹۳). پس پیامدهای مثبت سرمایه‌ی اجتماعی هنگامی وجود دارد که دو بعد متشکله‌ی آن همزمان و به میزان بسنده حاضر باشند. این موضوع را می‌توان در قالب جدول زیر که با تغییراتی از پاکستون (همان، ۹۳) آمده، نمایش داد:

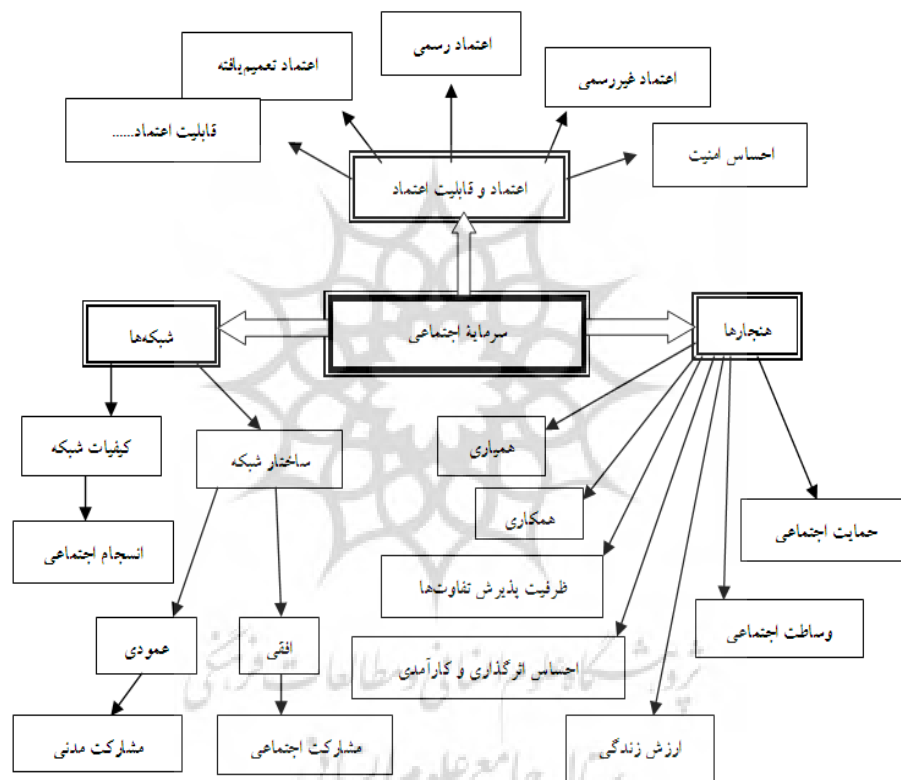
سرمایه‌ی اجتماعی و رابطه‌ی ابعاد آن

بعد ذهنی	بعد عینی	
	زیاد	کم
زیاد	وجود سرمایه‌ی اجتماعی تعامل را تسهیل می‌کند.	اعتماد وجود دارد اما انجام تعامل با مشکل مواجه است.
کم	انجام تعامل، نیازمند طرف سوم و ضمانت اجراهای رسمی است.	موردی نادر

تفکیک سرمایه‌ی اجتماعی به دو بعد عینی و ذهنی و لزوم پیوند میان این دو برای ایجاد پیامدهای سودمند آن از این روست که محدودکردن مفهوم به ساختارهای عینی روابط یا ذهنیات افراد مشکلاتی را در شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی و اثرات آن پدید می‌آورد. ممکن است، سرمایه‌گذاری‌های دولتی نمادهایی برای گسترش روابط میان افراد یک جامعه تأسیس شود و همگان موظف به عضویت در آن شوند. اما وجود این ساختارها، بدون فراهم نمودن اعتماد و هنجارهای مشوق همکاری و عمل جمعی به تنهایی نمی‌تواند سرمایه‌ی اجتماعی را در آن جامعه تشکیل دهد. این موضوع در مورد ابعاد ذهنی سرمایه‌ی اجتماعی نیز صادق است. اگر امکانات ایجاد شبکه‌های تعامل در قالب انجمن‌های داوطلبانه نباشد، اعتماد و هنجارهای مشوق عمل جمعی، در ذهنیت افراد جامعه به شکل آرمانی غیرعملی باقی خواهد ماند.

با توجه به استنباط از نظریات صاحب نظران در حوزه ی سرمایه اجتماعی، سه متغیر هنجارها، شبکه‌ها و اعتماد که پوتنام، کلمن، پاکستون،... به آن اشاره داشته‌اند و مورد بررسی قرار داده‌اند. در مبحث سرمایه اجتماعی مورد سنجش قرار می‌گیرند. در مدل زیر به ترسیم مفهومی علل و عوامل سرمایه اجتماعی پرداخته شده است.

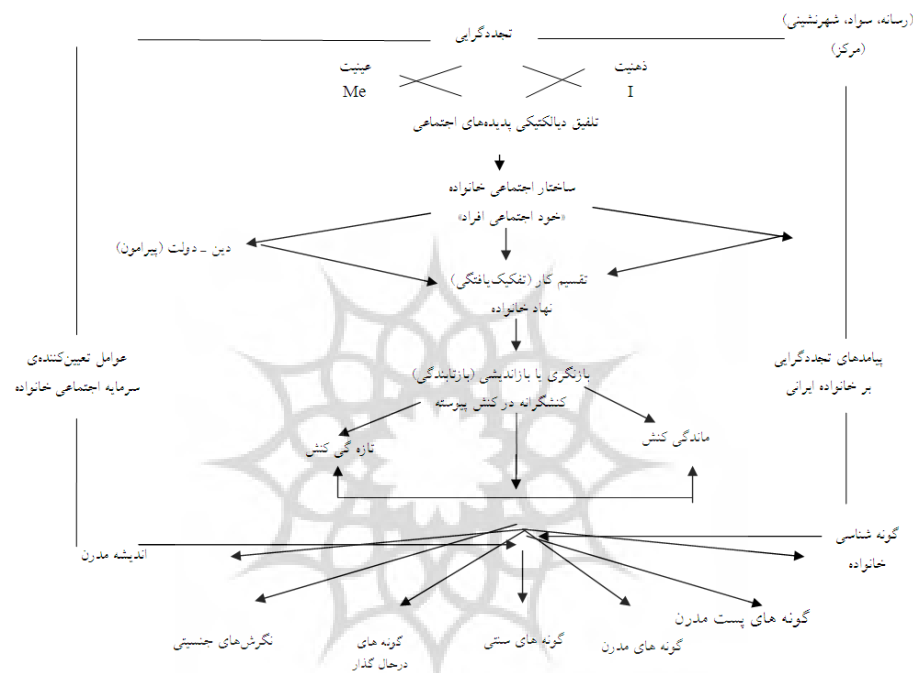
مدل شماره ۱: مدل مفهومی علل و عوامل سرمایه اجتماعی



در هر صورت، در نتیجه‌گیری این رویکرد باید گفت: تمامی مباحث بالا به نحوی یک رویکرد تلفیقی دیالکتیکی را نشان می‌دهد که چگونه در چالش دو پدیده اجتماعی با یکدیگر، ماحصلی به نام خود انسان یا سرمایه اجتماعی به وجود می‌آید که کنش‌های انسان را بر اساس تفسیر موقعیت، به ذهن متبادر می‌کند و به بازاندیشی می‌پردازد و در حقیقت این جریان جدل «سنت و تجدد»، «من و من اجتماعی» باز تولید آن، هزاران هزار کنش روزانه انسان‌ها است که در جریان تعاملات روزمره تبدیل به سرمایه اجتماعی می‌شود،

حال ممکن است این سرمایه اجتماعی مثبت یا منفی باشد و تعریف آن در گروه‌های بهنجاری و نابهنجار بر اساس سرمایه‌های اجتماعی که در ارتباطات اجتماعی خود برقرار می‌کنند، فرق می‌کند.

مدل شماره ۲: مدل نظری تحقیق مبتنی بر دیالکتیکی بودن پدیده‌های اجتماعی



فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین گونه‌های تجددگرایی خانواده ایرانی و سرمایه اجتماعی ارتباط معنی دار وجود دارد.
- ۲- تجددگرایی سنت مآبانه با حراست از سرمایه اجتماعی خانواده قرین است.
- ۳- تجددگرایی مدرن و درحال گذار بزرگ‌ترین تأثیر را بر کاهش سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی به جای گذاشته است.
- ۴- تجددگرایی پسامدرن موجب افزایش سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی می‌شود.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر برای رسیدن به اهداف مورد نظر از روش کمی (پیمایش) بهره گرفته شده است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه خانوارهای شهری تهرانی در سال ۱۳۸۹ تشکیل می‌دهد. واحد آماری تحقیق هر یک از خانوارهای شهری تهران در سال ۱۳۸۹ می‌باشد. به دلیل حل مشکل فهرست و نیز

کم کردن پراکندگی نمونه ها و هزینه، از شیوه نمونه گیری دو مرحله ای استفاده شده که در مرحله اول بلوک های نمونه و در مرحله دوم خانوارهای نمونه به روشی که در ادامه بدان اشاره می شود، انتخاب شده اند. حجم جمعیت آماری طبق آخرین آمار سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، "۲۳۴۵۶۰۱" بوده است. در این تحقیق برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است:

$$n \cong \frac{Nt^2 s^2}{Nd^2 \cdot t^2 s^2} \cong \frac{Nt^2 (p \wedge q)}{Nd^2 t^2 (p \wedge q)}$$

$$n_t \cong \frac{2267892(2/58)^2(0/5)(0/5)}{2267892(0/5)^2 \cdot (2/58)^2(0/5)(0/5)} \cong 665$$

برآورد حجم نمونه با
۱٪ و ۹۹٪ اطمینان

در این تحقیق تعداد نمونه بدست آمده به نسبت جمعیت هر منطقه بر اساس نتایج آخرین سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۸۵) تقسیم و سپس تعداد بلوک نمونه محاسبه شد. تعداد نمونه در همه بلوک های نمونه مساوی ۴ در نظر گرفته شده است. پس از آن بلوک های هر منطقه به صورت سریال شماره گذاری شد و با استفاده از جدول اعداد تصادفی، بلوک های نمونه به طور تصادفی بر روی نقشه بلوک های هر منطقه مشخص، و نقشه مناطق به همراه تعداد پرسش نامه لازم در اختیار ۲۰ نفر آمارگیر ثابت با هدایت محقق قرار گرفت.

واحد تحلیل

واحد تحلیل واحدی است که اطلاعات از آن جمع آوری و خصوصیات آن توضیح داده می شود (دواس، ۱۳۷۶: ۴۱). بر این مبنا واحد تحلیل تحقیق حاضر را خانواده های تهرانی ساکن در مناطق ۲۲ گانه تهران تشکیل می دهد.

آزمون روایی و پایایی آنها

براساس خروجی آزمون آلفای کربناخ، ضریب این آزمون برای گویه های متغیر تجددگرایی معادل ۰/۸۵ می باشد که از سطح استاندارد ۰/۷ بالاتر بوده و نشان می دهد که این گویه ها از همبستگی بالایی برخوردار بوده و ابزار مناسبی برای سنجش متغیر مورد نظر محسوب می گردند. براساس خروجی آزمون آلفای کربناخ، ضریب این آزمون برای گویه های متغیر سرمایه اجتماعی هم معادل ۰/۸۶ می باشد که از سطح استاندارد ۰/۷ بالاتر بوده و نشان می دهد که این گویه ها نیز از همبستگی بالایی برخوردار بوده و ابزار مناسبی برای سنجش متغیر مورد نظر محسوب می گردند.

مفاهیم پژوهش

تجددگرایی^۱:

در این پژوهش «تجددگرایی» و معر ف های آن به عنوان متغیر مستقل می باشد که با مقیاس شارما که تلفیقی از مقیاس های اسمیت، لرنر و اینکلس است، مورد سنجش قرار می گیرد. هم چنین در این پژوهش با کمک مقیاس محقق ساخته شده، که برآیندی از نظریات صاحب نظران کلاسیک و معاصر درباره تجددگرایی می باشد، شاخص هایی تکمیلی نیز پرداخته می شود.

تعاریف نظری و عملی تجددگرایی عبارتند از:

0 جهت گیری علمی : تمایل به فهم دنیا بر پایه ی نقش مدارک علمی و تحقیقی به جای خرد دوران گذشته.

0 جهت گیری تساوی طلبانه : التزام عقلانی است به اصل تساوی حقوق و برابری جنسیتی در پایگاه انسانی بدون قائل شدن هر نوع تبعیض بر پایه ی جنبه های منسوب به جنس، قوم و...

0 جهت گیری جهانی : نگرشی است به سوی ترجیح هنجارهای غیرشخصی در اجرای نقش های عام فراتر از وفاداری های ویژه به خویشاوندان، دوستان و...

0 جهت گیری پیشرفت : نگرش مثبت به غلبه بر تقدیرگرایی و محلی گرایی است. تمایل به موفق شدن و باور به مفیدبودن برنامه ریزی

0 جهت گیری استقلال طلبانه : نگرشی به سوی آزادی از اجبارهای ساختار اقتدار سنتی است که نتیجه ی آن عدم هم نوایی با چنین هنجارهایی است که ممکن است به لحاظ عقلانی مورد شک باشند.

0 جهت گیری مدنی : تمایل به کسب اخبار ملی و بین المللی است و آگاهی از مسائلی که ملت و اجتماع بین المللی با آن مواجه است و کوشش برای شکل دادن و تمرکز افکار روی موضوعات مختلف.

0 جهت گیری دموکراتیک : نگرش مثبت به حفظ و رعایت حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی برای همه افراد و گروه های جامعه و وجود فرصت های مساوی برای همه در مشارکت آزادانه در ارزش های آن جامعه و نهادهای اجتماعی که به نحوی دارای نگرش هایی می باشند.

0 تجددگرایی روانی : «تجددگرایی روانی که در سطح فردی مطرح می باشد، اشاره به نوعی تحرک روانی یا ذهنی دارد که طی آن افراد ویژگی های روانی، ارزشی، انگیزشی و اعتقادی تازه ای را کسب می کنند. خصوصیتی که با اکتساب و درونی کردن آن ها به تعبیر رویکرد تجددگرایی، انسان های سنتی مبدل به انسان های مدرن و متجدد می شوند و آمادگی آفرینش عالمی نو وجدید را پیدا می کنند.» (از کیا و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۷).

علاوه بر شاخص های فوق در این پژوهش، شاخص هایی برای اندازه گیری مفاهیم تجددگرایی مناسب با بستر اجتماعی و خانوادگی ایران و برگرفته از نظریات صاحب نظران چارچوب نظری می باشد که اعتبار صوری آن مورد ارزیابی داوران و اساتید دانشگاهی قرار گرفته است.

شاخص‌های مهیا شده عبارتند از:

ریسک‌پذیری (فرهنگ خطر کردن) : یکی از وجوه اساسی فرهنگ تجدد که به موجب آن آگاهی از خطرهای احتمالی به صورت ابزاری برای تسخیر و آبادانی آینده درمی‌آید. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۲۵). به گفته گیدنز، قرارگرفتن در زندگی مدرن، قرارگرفتن در ریسک است و بودن در زندگی سنتی، بودن اعتماد در روابط اجتماعی انسان‌ها می‌باشد و هم چنین او می‌افزاید: انسان مدرن در معرض ریسک‌هایی قرار دارد که جامعه و نهادهای اجتماعی آن‌ها را تولید می‌کنند. به عبارت دیگر انسان مدرن با مخاطرات مصنوعی دست‌ساخته‌ی خود مواجه است. گیدنز در این‌جا از واژه ی «جامعه‌ی بیم‌زده» ال‌ریش بک نیز استفاده می‌کند. در نگاه گیدنز انسان مدرن همواره در معرض انواع «شوکه‌های فرهنگی» قرار دارد و زندگی خانوادگی هم در معرض این گونه شوکه‌ها می‌باشد.

سرمایه اجتماعی^۱:

قابل ذکر است که در این پژوهش، سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته مورد سنجش قرار گرفته است. شاخص‌های قابل اندازه‌گیری در سرمایه اجتماعی در این پژوهش عبارتند از:

الف) اعتماد اجتماعی

ب) شبکه‌ها

پ) هنجارها

قابل ذکر است که برای اندازه‌گیری شاخص‌های فوق از مقیاس پاتنام، جیمز کلمن و وندی استون و گویه سازی و سایر شاخص‌های تکمیلی استفاده شده است. به عبارتی طراحی مقیاس‌هایی با توجه به بستر اجتماعی خانواده ایرانی و جامعه ایرانی برای اندازه‌گیری متغیرهای مورد نیاز در پژوهش حاضر مد نظر بوده است.

شاخص‌های در نظر گرفته شده برای سرمایه‌ی اجتماعی و معنای مفهومی آن‌ها و مآخذ مورد

استناد

ردیف	شاخص‌ها و معنای مفهومی آن	منبع
۱	اعتماد و قابلیت اعتماد اعتماد: میزان اعتماد فرد به آشنایان (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همکاران و همسایگان) اعتماد به غریبه‌ها و سازمان‌های مختلف و نمایندگان حکومت (مدیران سازمان‌ها و نمایندگان مجلس) قابلیت اعتماد: میزان ریسک‌پذیری و قابل اعتماد دانستن محیط زندگی از نظر فرد (عدم یا وجود دزدی یا کلاهبرداری در آن)	Bullen and Onyx (1998), Krishna and Shrader (2000), Benchmark Survey (2000), Australian Bureau of Statistics (2003B), Grootaert and others (2005)
۲	مشارکت اجتماعی انواع مشارکت که هم برای فرد رضایت به بار می‌آورد و هم عامل شکل‌دهی به روابط و سازنده‌ی شبکه‌های حمایتی بالقوه است (مانند دیدار با دوستان و خویشاوندان) شرکت در مراسم شادی و ترحیم هم‌محله‌ای‌ها، رفتن به سینما، پارک، کوه و غیره به صورت دسته‌جمعی	Bullen and Onyx (1998), Benchmark Survey (2000), Australian Bureau of Statistics (2003B),

**ادامه جدول شاخص‌های در نظر گرفته شده برای سرمایه‌ی اجتماعی و معنای مفهومی آن‌ها
و مآخذ مورد استناد**

ردیف	شاخص‌ها و معنای مفهومی آن	منبع
۳	مشارکت مدنی فعالیت‌هایی که در ارتباط با فضای سیاسی، حکومتی، مدیریت باشگاه‌ها و انجمن‌ها و نیز سازمان‌های غیردولتی بوده و معمولاً در قالب عضویت رسمی فرد در گروه‌های مختلف خود را نشان می‌دهد و تابع مقررات و سلسله مراتب است.	Bullen and Onyx (1998), Rose (1998), Benchmark Survey (2000), Australian Bureau of Statistics (2003B), Grootaert and others (2005)
۴	همیاری هنجار همیاری، به احساس درونی افراد جهت کمک به دیگران و به اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند اشاره دارد و باعث ایجاد تعادل بین منافع فردی و منافع جمعی می‌شود (هنجار همیاری، افراد را به سهیم شدن در حمایت کردن از سایر افراد جامعه ترغیب می‌کند).	Krishna and Shrader (2000), Benchmark Survey (2000), Australian Bureau of Statistics (2003B),
۵	همکاری همکاری در محل جمعی مردم جهت دستیابی به نتیجه یا هدفی مشترک (از قبیل همکاری همسایه‌ها به یکدیگر جهت بهبود اوضاع محل، همکاری با مسئولین محلی و مشارکت داوطلبانه‌ی افراد در اجتماع)	Krishna and Shrader (2000), Australian Bureau of Statistics (2003B), Grootaert and others (2005)
۶	ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها (مدارا) اشاره به این دارد که افراد تا چه حد هنجارها، سبک‌های زندگی و عقایدی که متفاوت از آن چه که خود دارند را مورد پذیرش قرار داده و به آن احترام می‌گذارند.	Benchmark Survey (2000), Australian Bureau of Statistics (2003B),
۷	احساس امنیت میزان احساس امنیت و آسودگی و آرامش مردم در خانه‌های خود یا از قدم زدن در کوچه و خیابان‌ها ی شهر در طول شبانه‌روز	Bullen and Onyx (1998), Australian Bureau of Statistics (2003B),
۸	حمایت اجتماعی (مالی و عاطفی) حمایت افراد از یکدیگر به صور مالی و عاطفی در زمان نیازمندی یا به عنوان بخشی از حیات روزمره فراهم آمده باشد (نظیر پول قرض دادن، گوش کردن به درد دل افراد)	Benchmark Survey (2000), Australian Bureau of Statistics (2003B),
۹	انسجام اجتماعی بهره‌مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و احساس راحتی در محیط همسایگی و اجتماع محلی و گروه‌هایی که افراد در آن‌ها عضویت داشته یا در آن‌ها مشارکت دارند	Krishna and Shrader (2000), Grootaert and others (2005)
۱۰	احساس اثرگذاری و کارایی درک و تصور افراد و اجتماعات از میزان توانایی تأثیرگذاری آنان در فعالیت‌ها و روندهای موجود در جامعه	Benchmark Survey (2000), Australian Bureau of Statistics (2003B),
۱۱	ارزش زندگی ارزش زندگی عبارت است از احساس رضایت‌مندی فرد از زندگی و بالارزش دانستن خود در جامعه و باور به این که جامعه نیز متقابلاً احترام لازم را به او می‌گذارد.	Bullen and Onyx (1998), Australian Bureau of Statistics (2003B),
۱۲	وساطت اجتماعی حضور فعال فرد به عنوان میانجیگر در حل اختلافات و منازعات موجود میان آشنایان، همسایه‌ها، همکاران یا همشهری‌ها	مؤلفین

منبع: اسماعیلی، ۱۳۸۵

ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و تعاریف عملیاتی ارائه شده جهت سنجش آن‌ها

مفهوم	ابعاد اصلی	ابعاد فرعی	تعریف عملیاتی
سرمایه اجتماعی (جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی که هماهنگی و همکاری بین افراد را در جهت نیل به منافع مشترک تسهیل می‌کند)	اعتماد و قابلیت اعتماد	اعتماد غیررسمی	پاسخگو تا چه حدی به این افراد اعتماد دارد: اعضای خانواده، اقوام و خویشاوندان، دوستان و آشنایان، همسایگان، همکاران و هم‌کلاسی‌ها
		اعتماد رسمی	پاسخگو تا چه حدی فکر می‌کند که این نهادها و سازمان‌ها منافع جامعه را تأمین می‌کنند: آموزش و پرورش، نیروی انتظامی، شهرداری،
		اعتماد تعمیم‌یافته	پاسخگو تا چه حدی به غریبه‌ها و سایر افرادی که با آنها سابقه آشنایی ندارد، اعتماد می‌کند.
		قابلیت اعتماد محیط	پیداشدن کیف پر از پول و رسیدن به دست صاحب آن در صورت گم‌شدن در محل
		احساس امنیت	احساس امنیت جهت قدم‌زدن در کوچه خیابان‌ها ی محله طی شب و روز
	هنجارها	همیاری	احساس تکلیف‌کردن فرد برای کمک جهت بهبود اوضاع محل زندگی و جامعه
			حاضرشدن به چشم‌پوشی از پول و وقت خود برای بهبود وضع محل
		همکاری	وجود سابقه‌ی کار مشترک در محل جهت انجام یک کار عام‌المنفعه یا حل یک مشکل
			همکاری مردم با مسئولین در صورت تقاضا از آنان جهت صرفه‌جویی در مصرف آب و برق
		ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها	لذت‌بردن فرد از زندگی با مردمی که فرهنگ و آداب و رسوم متفاوتی با وی دارند
			اعتقاد به این‌که وجود فرهنگ‌های متفاوت به بهبود اوضاع محل کمک می‌کند.
			تمایل به زندگی در جامعه‌ای چندفرهنگی و نه تک‌فرهنگی
سرمایه اجتماعی (جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی که هماهنگی و همکاری بین افراد را در جهت نیل به منافع مشترک تسهیل می‌کند)	احساس اثرگذاری و کارایی	احساس مفیدواقع‌شدن و اثربخش‌بودن در طول دوران زندگی	باور فرد به تأثیرگذاربودن بر حل مشکلات و بهترشدن وضع محل سکونت
			باور فرد به توانایی مردم محل در حل مشکلات و مسائل محله در صورت همکاری و همدلی آنان با یکدیگر
			احساس رضایت از زندگی گذشته خود
		ارزش زندگی	اعتقاد به این‌که جامعه ارزش لازم را برای فرد قائل است
		وساطت اجتماعی	داوطلب‌بودن فرد جهت مداخله در نزاع و مشاجره میان دو همسایه جهت آشتی‌دادن آن‌ها
	حمایت اجتماعی	حمایت عاطفی	کمک به یکی از دوستان، همسایه‌ها یا افراد فامیل طی یک سال گذشته در ارتباط با موارد زیر: - کمک به آن‌ها برای انجام برخی کارهای‌شان - گوش‌دادن به درددل‌ها و مشکلات آنها
		حمایت اقتصادی	قرض‌دادن چیزی یا یکی از وسایل منزل به آنان
			پول قرض‌دادن به آنان

ادامه جدول ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و تعاریف عملیاتی ارائه‌شده جهت سنجش آن‌ها

مفهوم			ابعاد اصلی	ابعاد فرعی	تعریف عملیاتی
سرمایه اجتماعی	شبکه‌ها	ساختار شبکه	نظری	مشارکت اجتماعی	شرکت در فعالیتهای زیر طی سه ماه گذشته: شرکت در مراسم ختم همسایگان و هم محله‌ای‌ها شرکت در مراسم جشن و شادی هم محله‌ای‌ها
					شرکت در دسته‌های عزاداری و مراسم مذهبی شرکت در نماز جمعه
					شرکت در گردهمایی، جشنواره و جلسات شرکت در جلسات اولیا و مربیان
					رفتن به پارک، کوه یا باغ برای تفریح با دیگران مهمانی‌های فامیلی هفتگی یا ماهانه
	شبکه‌ها	ساختار شبکه	عمودی	مشارکت مدنی	عضویت و مشارکت مستمر فرد در: انجمن‌های خیریه قرض‌الحسنه فامیلی هیأت مذهبی
					گروه‌های هنری بسج کانون فرهنگی
					سازمان‌های غیردولتی تشکل‌های سیاسی تیم ورزشی اتحادیه‌ی کارگری انجمن اولیا و مربیان
کفایت شبکه	انجام اجتماعی	کیفیات شبکه			اهمیت‌دادن افراد به یکدیگر و تنها به فکر کسب و کار خود نبودن قادر بودن افراد به یافتن دوستان واقعی در شهر و محل سکونت خود آموزش احترام‌گذاردن به حقوق و اموال دیگران توسط والدین به فرزندان عملکرد موفق مدارس در آماده‌کردن جوانان برای حیات اجتماعی نقش سازنده و مؤثر مساجد در ایجاد زندگی بهتر در جامعه وجود روابط محبت‌آمیز و انسان‌دوستانه میان افراد و نه مبتنی بر پول و منفعت‌طلبی برابر بودن افراد در مقابل قانون و عدم اعمال تبعیض میان آنان

یافته‌ها

بررسی نتایج به دست آمده نشانگر وجود و پیدایش گونه های مختلف خانوادگی است که در جامعه ایران در کنار هم زندگی می کنند. در این پژوهش چهار فرض اصلی و اساسی را مورد بررسی قرار دادیم و نتایج به دست آمده حکایت از گونه های مختلف خانوادگی با سرمایه اجتماعی مختلف می باشد. درحقیقت تجددگرایی در خانواده های ایرانی وجود دارد، منتها این تجددگرایی با حفظ سنت ها در خانواده ایرانی همراه بوده است، به عبارتی خانوارهای ایرانی به نوعی به تجددگرایی بومی که حفظ سنت ها را در بردارد، دست یازیدند. همچنین نتایج به دست آمده، نشانگر پیدایش خانواده های پست مدرن در جامعه ایران می باشد. در بررسی بیشتر نتایج خانواده های مدرن و در حال گذار به دلیل پیدایش مشکلات ناشی از مرحله گذار، از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردار بوده اند. در ذیل به نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق پرداخته شده است.

فرضیه شماره ۱:

گونه سنت گرایی دارای اثر مثبت، مستقیم و معنادار بر میزان سرمایه اجتماعی خانواده است.

جدول شماره ۱. بررسی میزان اثر متغیر سنت گرایی بر میزان سرمایه اجتماعی خانواده

منبع تغییرات	ضریب رگرسیونی استاندارد شده (β)	مقدار T	سطح معناداری
سنت گرایی	۰/۵۴	۱۸/۰۲	**۰/۰۱

متغیر وابسته: سرمایه اجتماعی خانواده (Y) * p: 0/05 ** p: 0/01

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده در باب اثر متغیر سنت گرایی بر میزان سرمایه اجتماعی خانواده می توان گفت ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (۰/۵۴) و مقدار تی بدست آمده برای این ضریب (۱۸/۰۲) می باشد که این مقدار در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد.

فرضیه شماره ۲:

گونه در حال گذار دارای اثر مثبت، مستقیم و معنادار بر میزان سرمایه اجتماعی خانواده است.

جدول شماره ۲. بررسی میزان اثر متغیر در حال گذار بر میزان سرمایه اجتماعی خانواده

منبع تغییرات	ضریب رگرسیونی استاندارد شده (β)	مقدار T	سطح معناداری
در حال گذار	۰/۲۱	۱۴/۰۴	**۰/۰۱

متغیر وابسته: سرمایه اجتماعی خانواده (Y) * p: 0/05 ** p: 0/01

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده در باب اثر متغیر در حال گذار بر میزان سرمایه اجتماعی خانواده می توان گفت ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (۰/۲۱) و مقدار تی بدست آمده برای این ضریب (۱۴/۰۴) می باشد که این مقدار در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد. فرضیه شماره ۳:

گونه تجددگرایی دارای اثر مثبت، مستقیم و معنادار بر میزان سرمایه اجتماعی خانواده است.

جدول شماره ۳. بررسی میزان اثر متغیر تجددگرایی بر میزان سرمایه اجتماعی خانواده

منبع تغییرات	ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B)	مقدار T	سطح معناداری
تجددگرایی	۰/۳۷	۱۲/۰۱	**۰/۰۱

متغیر وابسته: سرمایه اجتماعی خانواده (Y) $p: 0/05^*$ $p: 0/01^{**}$

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده در باب اثر متغیر تجددگرایی بر میزان سرمایه اجتماعی خانواده می توان گفت ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (۰/۳۷) و مقدار تی بدست آمده برای این ضریب (۱۲/۰۱) می باشد که این مقدار در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد. فرضیه شماره ۴:

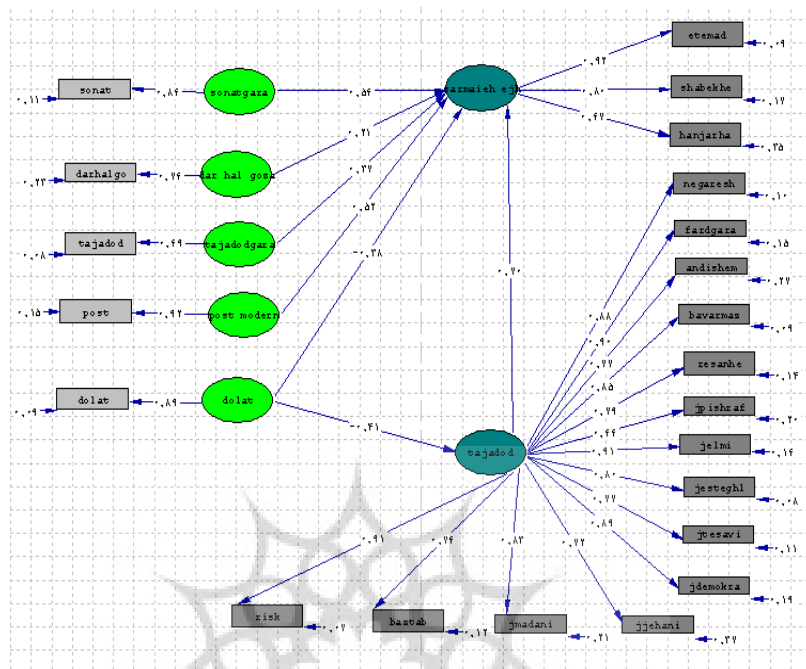
گونه پست مدرن دارای اثر مثبت، مستقیم و معنادار بر میزان سرمایه اجتماعی خانواده است.

جدول شماره ۴. بررسی میزان اثر متغیر پست مدرن بر میزان سرمایه اجتماعی خانواده

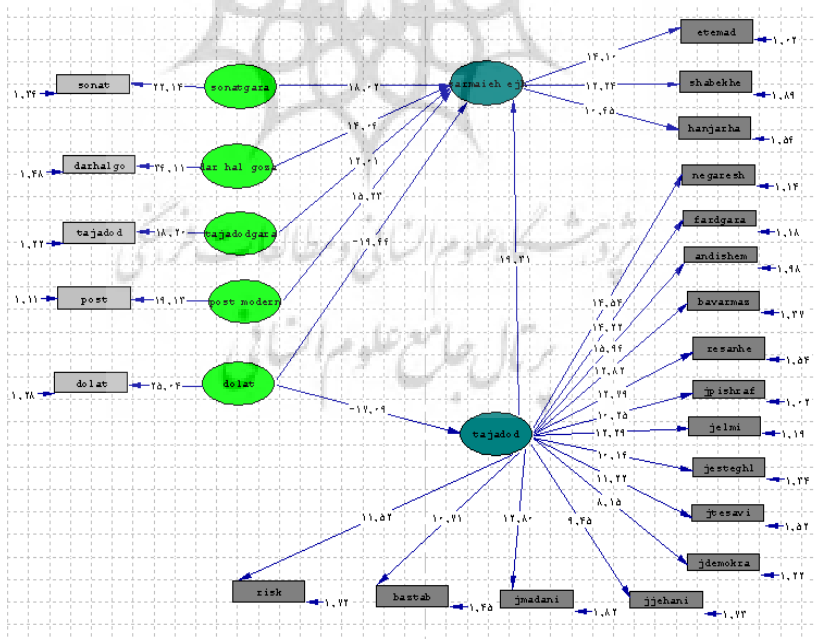
منبع تغییرات	ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B)	مقدار T	سطح معناداری
پست مدرنیست	۰/۵۲	۱۵/۳۷	**۰/۰۱

متغیر وابسته: سرمایه اجتماعی خانواده (Y) $p: 0/05^*$ $p: 0/01^{**}$

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده در باب اثر متغیر پست مدرن بر میزان سرمایه اجتماعی خانواده، می توان گفت ضریب رگرسیونی استاندارد شده (B) که تحت عنوان ضریب مسیر است برابر با (۰/۵۲) و مقدار تی بدست آمده برای این ضریب (۱۵/۳۷) می باشد که این مقدار در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد. بررسی نتایج از طریق مدل های لیزرل و مدل معادلات ساختاری در زیر قابل بررسی می باشد: مدل شماره ۳: مدل تجربی اثرات تجددگرایی بر سرمایه اجتماعی بر اساس ضرایب تاثیر به دست آمده از میدان تحقیق.



شکل ۱. پارامترهای روابط بین متغیرهای مکنون



شکل ۲. مقادیر تی جهت بررسی معناداری پارامترهای روابط بین متغیرهای مکنون

نتیجه‌گیری و راهکارهای تحقیق

برای اندازه‌گیری میزان تجددگرایی در خانواده‌های ایرانی، شاخص‌هایی از قبل ساخته شد و همین‌طور، شاخص‌هایی که مبتنی بر نظریه‌ها توسط محقق پژوهش ساخته شده و در خانواده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشانگر این است که تجددگرایی در خانواده‌ها تأثیر گذاشته و بیشترین تأثیر را نگرش‌های جنسیتی و کمترین تغییر را باورهای مذهبی در خود پذیرفته است. به نظر می‌رسد آمارهای رسمی منتشر شده از سوی دولت‌ها راجع به جمعیت، نوع روابط دختران و پسران، ازدواج و طلاق، دین، جرم و تبهکاری و نظایر آن، وسیله‌ای دقیق برای بررسی زندگی اجتماعی را به دست می‌دهند. به نظر پیشگامان جامعه - شناسی طبیعت‌گرایانه، مانند دورکیم، این آمارها نمایشگر داده‌های موثقی‌اند که برپایه آن‌ها جنبه‌های مربوط به جوامع را به گونه‌ای دقیق‌تر از زمانی که این ارقام وجود نداشتند، می‌توان بررسی کرد. بنابراین داده‌های به‌دست آمده از پژوهش فوق دقیق‌تر از زمانی که هیچ سندی در دست نداشته‌ایم به ما کمک می‌کند تا بتوانیم به بررسی داده‌های به‌دست آمده بپردازیم. میزان تغییر نگرش‌های جنسیتی در خانواده تهرانی با ۳۳٪ در حد بالا، ۵۶٪ در حد متوسط، و ۹٪ در حد پایین قرار گرفته است.

همچنین بررسی نتایج به‌دست آمده از سایر شاخص‌های تجددگرایی در خانواده تهرانی، نشانگر این قضیه می‌باشد که تجددگرایی در خانواده‌ها، اتفاق افتاده است، منتها تجددگرایی که میزان سرمایه اجتماعی خانواده تهرانی را هم بالا برده است، به عبارتی تجددگرایی و سرمایه اجتماعی رابطه‌ای قوی، مستقیم و محکم با هم داشته‌اند، میزان تجددگرایی در خانواده‌های سنتی و پست مدرن، توانسته است میزان سرمایه اجتماعی این دو گونه خانواده را هم بالا ببرد، در حالیکه خانواده‌های در حال گذار و مدرن از میزان کمتری از سرمایه اجتماعی ناشی از تجددگرایی برخوردار بوده‌اند، یکی به عبارتی نتایجی که درباره بحرآن‌ها و تنش‌های خانواده تهرانی مطرح می‌شود، مربوط به نوع خانواده‌های در حال گذار و مدرن می‌باشند که چون هنوز نتوانسته‌اند به نقطه ثباتی برسند، بنابراین بیشترین آسیب و بیشترین مشکلات در اینگونه خانواده‌ها به وجود آمده است. که این نتیجه به‌دست آمده از پژوهش فوق قابل توجه کارشناسان و سیاستگذاران در امور مربوط به خانواده‌ها می‌باشد.

یکی از اهداف پژوهش، گونه‌شناسی خانواده‌های تهرانی بود، نتایج به‌دست آمده نشانگر آن است که خانواده‌های سنتی با حراست از سنت‌ها و ارزش‌های خانوادگی و ضمن پذیرش تجدّد، تلاش داشته است سنت‌های خود را حفظ کند، همچنین نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که در گونه‌شناسی خانواده‌های تهرانی، گونه خانواده‌های سنتی با ۴۶/۲ درصد، گونه خانواده‌های در حال گذار با ۳۰/۴ درصد، گونه خانواده‌های تجدّدگرا با ۱۰/۵ درصد، گونه پست مدرن با ۱۲/۹ درصد، گونه‌شناسی را به خود اختصاص داده است، نتایج فوق گویای آن می‌باشد که خانواده‌ها علیرغم تجدّدگرایی در نوع و سبک زندگی، همچنان دارای اندیشه سنتی هستند و در حقیقت در اندیشه (ذهنیت) سنتی و در عینیت (مدرن) هستند، خانواده‌های تهرانی براساس اندیشه‌های سنتی خود به هر نوعی اندیشه مدرن را بنا کرده‌اند و در حقیقت نوعی مدرنیته بومی و ایرانی در حال خانواده‌های ایرانی در حال شکل گرفتن است، و همچنین نتیجه تحقیق فوق، گویای آن است که راه رسیدن به مدرنیته، یک نسخه واحد جهانی نیست. بلکه هر کشوری برای رسیدن به زندگی مدرن

راهی را انتخاب می کند، راه و روشی که براساس سنت ها، ارزش ها و ایده های یک جامعه، یک ملت و یک دولت شکل می گیرد که راهی منحصر بفرد است و خاص هر جامعه ای می باشد.

نتیجه مهمی که در این تحقیق به آن دست یافته ایم، گونه شناسی خانواده پست مدرن در میان خانواده های تهرانی می باشد که ۱۲/۹ را به خود اختصاص داده است، برای رسیدن به این منظور (گونه پست مدرن)؛ به بررسی مشخصه های مهم دنیای پست مدرن از دیدگاه صاحب نظران پرداختیم و نتایج گویای آن می باشد که؛ نگرش هایی از نوع تجددگرایی پست مدرن در میان خانواده های تهرانی وجود دارد. اگرچه در واقعیت زندگی اجتماعی ممکن است، شواهد زیادی برای این گونه از زندگی را نبینیم. اما واقعیت این است که نگرش پست مدرنیستی در اندیشه های مردم و خانواده های تهرانی و ایرانی اتفاق افتاده است، در حقیقت در شرایط کنونی، گونه های مختلف خانوادگی در کنار هم زندگی می کنند، واقعیت این است که خانواده ها یکسان در معرض اندیشه های مدرن و مدرنیزاسیون قرار ندارند و در حقیقت، تفاوت هایی را باید بین آن ها قائل باشیم.

براساس نتایج به دست آمده از مدل لیزرل، میزان سرمایه اجتماعی گونه های مختلف خانواده تهرانی متفاوت می باشد، که در این میان گونه سنتی و پست مدرن، بیشترین سرمایه اجتماعی را داشته اند. در حقیقت این نتیجه، نشان دهنده این مطلب می باشد که خانواده ها به تجددگرایی سنت مآبانه در نگرش ها و ارزش های خود پرداخته اند که ضمن حفظ سنت ها، تلاش داشته اند که میزان سرمایه اجتماعی خود را حفظ کنند. همچنین براساس نتیجه به دست آمده از مدل دیگری که در لیزرل به دست آمده است، کلیه شاخص های تجددگرایی در خانواده ها نشان از میزان تجددگرایی در خانواده ها دارند، و نگرش های جنسیتی بیشترین تأثیر و باورهای مذهبی کمترین تأثیر را بر تجددگرایی خانواده ها داشته اند.

راهکارها

الف) پیشنهادات مبتنی بر نتایج تحقیق

راهکارها و پیشنهاداتی که در اینجا ارائه می شود در دو سطح خرد و کلان مطرح اند که سطح خرد بیشتر مبتنی بر یافته های تحقیق حاضر و سطح کلان مبتنی بر ارائه راهکارهای ساختاری است که تا حدودی از یافته های تحقیق فراتر می رود.

با توجه به این مسأله که هر پژوهشی باید بتواند راهکارهایی برای موضوع مورد بررسی خود داشته باشد، لذا در این قسمت به بررسی پیشنهادات تحقیق می پردازیم.

۱- بررسی شاخص های تجددگرایی در خانواده های تهرانی نشان داد که میزان تجددگرایی در خانواده های تهرانی، تقریباً بر اساس نتایج بالا می باشد، اما این تجددگرایی دو نتیجه را به دنبال داشته است.

۱-۱- آنجا که خانواده تهرانی توانسته است رابطه ای منطقی میان تجدد و سنت بر قرار کند و در حقیقت به حراست از سنت هایش بر آمده است، نه تنها سرمایه اجتماعی پایین نیامده است، بلکه در خانواده های سنتی، تجددگرایی با حفظ سنت همراه بوده است.

۲-۱- در جایی که خانواده تهرانی بریده از سنت‌ها و به دنبال تجدد از نوع غربی بوده است، سرمایه اجتماعی را دچار تخطی و تخریب نموده است.

بنابراین، این نتیجه به دست آمده گویای غنی بودن سنت‌ها در روابط اجتماعی خانواده‌ها می‌باشد، چرا که خانواده تهرانی تلاش بر این داشته است که نوگرایی را در فرهنگ خودش ذوب و تلفیق کند. لذا پیشنهاد می‌شود که تخریب فرهنگ غربی را در ابزارهای رسانه‌ای که همواره به نکوهش فرهنگ غرب می‌پردازند، را کنار بگذارند، چرا که هر جامعه‌ای، مدرن شدن را به شیوه خود می‌آموزد و نتایج پژوهش‌ها در کشورهای مختلف گویای این مطلب می‌باشد که مدرن شدن جوامع مختلف در موقعیت‌های مختلف تاریخی صورت می‌گیرد، با توجه به آداب و سنن ملل مختلف و تجربه اجتماعی که مردم آن جامعه در آن قرار دارند.

۲-۲- در بررسی گونه شناسی خانواده‌ها، خانواده پست مدرن توانسته است که به حراست از سرمایه اجتماعی در خانواده‌ها بپردازد که این نشانگر روابط عاطفی و داشتن اعتماد در میان خانواده‌های پست مدرن می‌باشد. البته تعداد محدودی خانواده پست مدرن در میان خانواده‌های تحت مطالعه حضور داشته‌اند.

ب) پیشنهادات اجرایی

۱- تولید برنامه‌های خانوادگی در رسانه‌ها، بدین معنا که رسانه‌ها بر روی برنامه‌های خانوادگی متمرکز شوند و در این میان آرمان‌سازی کنند.

۲- بسط اندیشه‌های اسلامی در زمینه قداست خانوادگی، بدین معنا که خانواده یک واقعیت قدسی است و باید آن را پاس بداریم.

۳- طراحی پروژه‌هایی در مورد کمک‌های مالی به خانواده‌های نو سرا.

۴- جهت ارتقاء و انسجام خانواده، پدیده ارزش‌های خانوادگی را پاس به داریم و به یاد داشته باشیم که خانواده یک میراث اجتماعی است که از نیاکانمان به ما رسیده است و لذا جوانان و سایر اعضای خانواده باید بدانند که بزرگترین سرمایه اجتماعی، داشتن یک خانواده حامی می‌باشد و هم‌چنین، دانستن این نکته که این خانواده است که در برابر همه سختی‌ها و مشکلات زندگی به اعضایش کمک می‌کند و همواره پویا است و جوانان به یاد داشته باشند که این خانواده است که به عنوان یک سرمایه اجتماعی همواره مرکز اعتماد، همیاری، همکاری و تشویق اعضایش برای شرکت در شبکه‌های اجتماعی است.

۵- پررنگ کردن خانواده به عنوان یک گروه مرجع، به جای انتخاب اشخاص یا افرادی چون هنرپیشه، بازیگر، خواننده، ورزشکار.

۶- ساختن زندگی و اندیشه مدرن بر اساس سنت، به این معنا که زندگی مدرن را بر داشته‌های میراث اجتماعی نیاکانمان بسازیم، در واقع جامعه ایرانی ضمن این که سنت‌هایی مثل عید نوروز، چهارشنبه سوری، دید و بازدید از اقوام، و... را زنده نگاه دارد، در عین حال هم حرکت رو به جلو داشته باشد و به اصطلاح به دهکده جهانی مک لوهان هم بپیوندد.

۷- بازتعریف ارتباطات در خانواده: بدین معنا که جامعه پذیری بزرگسالان را در خانواده بازتعریف کنیم، یعنی اجرای روش‌ها و برنامه‌هایی که رسانه به بزرگسالان بیاموزد که قیاس فرزندانشان با خود و پدران‌شان، امری اشتباه و باید فرزند عصر خویش بود و ارتباط خود با جوانش در قالب امروز و بر اساس ساختار اجتماعی روز تعریف نماید. به این معنا که امروز دیگر هرم قدرت در خانواده عمودی نیست، و این گونه کار کرد می‌تواند باعث قوام روابط اعضا، و یا به نوعی بهبود سرمایه اجتماعی خانواده شود و در یک کلمه به قول تافلر امروز پایان نظام پدرسالاری در خانواده‌ها فرارسیده است.

منابع

- 0 آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰) مدرنیته ایرانی: روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران، تهران، انتشارات دفتر مطالعاتی- انتشاراتی اجتماع.
- 0 آزاد ارمکی، و همکاران (۱۳۷۹) بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶.
- 0 آزاد ارمکی، و همکاران (۱۳۸۶) رابطه ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان، نامه علوم اجتماعی ایران، شماره پیاپی، ۳۰.
- 0 آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- 0 اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵) بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح بندی آن در شهرستان‌های استان اصفهان، پایان نامه دوره دکتری، گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان به راهنمایی آقایان دکتر رسول بانی و دکتر صمد کلاتری و مشاوره دکتر فروغ عریضس و دکتر وحید قاسمی.
- 0 ازکیا، مصطفی و همکاران (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی توسعه، چاپ پنجم، تهران، انتشارات کیهان.
- 0 ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰) بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، بهار و تابستان.
- 0 استونز، راب (۱۳۷۹) متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میر دامادی، تهران، انتشارات مرکز.
- 0 اعزازی، شهلا (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران، انتشارات روشنگران.
- 0 اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، چاپ دوم، تهران، انتشارات کویر.
- 0 بهنام، جمشید (۱۳۷۵) ایرانیان و اندیشه تجدد، چاپ دوم، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز.
- 0 تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی نظری: اصول، مفاهیم، تهران، انتشارات بهمن برنا.
- 0 تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۴) درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات مرنديز.
- 0 دوس، دی. ای (۱۳۷۹) روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی، ترجمه مریم رفعت‌جاه/ رخساره کاظم، تهران، نشر مرکز.
- 0 ریتزر، جرج (۱۳۷۴) بنیان‌های جامعه‌شناختی: خاستگاه‌های ایده‌های اساسی در جامعه‌شناسی، ترجمه تقی آزاد ارمکی، تهران، انتشارات نشر سیمرغ.

- 0 روزن باوم، هایدی (۱۳۷۶) خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه محمد صادق مهدوی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- 0 شکریگی، عالیہ (۱۳۸۵) بررسی رابطه طلاق و بزهکاری فرزندان (۱۴-۱۸ ساله شهر تهران)، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، سال دوم، شماره اول.
- 0 عنایت، حلیمه و موحد، مجید (۱۳۸۲) زنان و تحولات خانواده در عصر جهانی شدن، پژوهش زنان: فصلنامه مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۲.
- 0 گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶) جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- 0 گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- 0 گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) چشم اندازه‌های جهانی، ترجمه محمد رضا جلالی پور، تهران، انتشارات طرح نو.
- 0 گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، انتشارات نشر نی.
- 0 گیدنز، آنتونی، مدرنیسم به مثابه آزمونی جهانی، ترجمه غلامرضا گودرزی، فرهنگ توسعه، سال هفتم، شماره ۳۵ و ۳۶.

- 0 Adler, P. & Kwon, S. (2000), Social Capital: The Good, The bad, and the Ugly, in Lesser, E. L. (Ed), Knowledge and social capital: Foundations and Applications, Boston, Butterworth-Heinemann.
- 0 Baum F and Ziersch A (2003) Social capital. J of Epidemiology. Community Health. 57, 320-323
- 0 Bullen, Paul & Jenny Onyx. (1998), Measuring Social in five Communities in NSW, Neighbourhood and community Centers. in: Journal of Applied Behavior, vol. 36, No 1, March 2000.
- 0 Bullen, Paul & Jenny Onyx (1999), Social Capital in Family Support Service and References .
- 0 Bourdieu, P. (1986), The Forms of Capital, in Richardson, J. (ed), Handbook of Theory and Research for the sociology of Education, Green Wood Press, Westport, CT.
- 0 Business Day. 2004/11/08, 12: 00: 00 AM. Foreign investors are not the villains
- 0 Coleman, J. S. (1988) Social Capital in the Creation of Human Capital, American Journal of Sociology, 94, S95-S120.
- 0 Coleman, J. S. (1998), social capital in the creation of Human Capital, American Journal of Sociology, 94.
- 0 Narayan, D. And M. F. Cassidy. (2001). A Dimensional Approach to Measuring Social Capital: Development and Validation of a Social Inventory, Current Sociology, 49,2, 59-105.
- 0 ONS (2001) Social A review of the literature. Social Analysis and Reporting Division Office for National Statistics
- 0 Portes, A & Landolt P. (1996). The downside of social capital. Am. Prospect 26;18-23
- 0 Portes, A & Sensenbrenner J. (1993). Embeddedness and immigration: notes of social setetermination action. AJS. 98: 1320-50
- 0 Portes, A. & Londolt, P. (1996). Unsolved Mysteries: The Tocqueville Files II. The Downside of social capital, The American Prospect, 7.

- 0 Portes, A. (1998). »Social Capital: Its Origins and Applications in Contemporary Sociology» Annual Review of Sociology 24: 1-24.
- 0 Portes, A. (1998). Social capital: Its Origins and Applications in Modern sociology. Annual Review of sociology, 24(1).
- 0 Putnam, R. ; Leonardi, R. & Nanetti, R. (1993). Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy, Princeton, Princeton University Press.
- 0 Putnam, R. D. (1995). Tuning in, Tuning out: The Strange disappearance of social capital in American Community, New York, London, simon & Schuster.
- 0 Sabatini, F. (2005). Social Capital as Social Networks: a New Framework for Measurement, Wprking Paper No. 83, Department of Public Economics, University of Rome La Sapienza.
- 0 Sabatini, F. (2006). Social capital, labour precariousness and the economic performance. An empirical assessment of the strength of weak ties in Italy, Working Paper n. 26
- 0 Krishna, A. & Shrader, E. (1999). Social capital Assesment Tool, social capital Initiative Working Paper no. 22, The World Bank, Washington DC. In
- 0 Krishna, A. (2002). Active social capital: Tracing the Roots of Democracy and Development, Columbia, Columbia University Press .
- 0 krishna, A. and Shrader, E. (1999). Social Capital Assessment Tool. Conference Paper for Conference on Social Capital and Poverty Reduction, The World Bank

